



## سنگ‌نگاری، کانی‌شناسی و سنگ‌زایی اسکارن‌های کوه صاحب‌الزمان کرمان

حسین معین وزیری<sup>\*</sup>، سلیمه دهقانی<sup>۱</sup>، علی خردمند<sup>۲</sup>

۱- دانشکده علوم زمین، دانشگاه خوارزمی

۲- گروه زمین‌شناسی، دانشکده علوم، دانشگاه کرمان

(دریافت مقاله: ۹۲/۴/۲۴، نسخه نهایی: ۹۲/۱۰/۸)

**چکیده:** کوه صاحب‌الزمان در ۸ کیلومتری شرق شهر کرمان قرار دارد. در این نقطه یک توده‌ی گرانیوتوئیدی به داخل سنگ‌های آهکی کرتاسه تزریق شده و موجب دگرگونی این سنگ‌ها شده است. به‌علت عدم فرسایش کافی و وجود آبرفت‌های کوهپایه‌ای، اسکارن و توده‌ی نفوذی بیرون زدگی‌های وسیع و بهم پیوسته ندارند بلکه به صورت توده‌هایی به قطر ۱۵ تا ۵۰ متر و دور از هم دیده می‌شوند. آرایش بیرون زدگی‌ها نشان می‌دهد که جایگزینی توده‌ی آذرین در جهت گسل‌های مهم منطقه و با روند شمالی-جنوبی صورت گرفته است. بررسی‌های سنگ‌نگاری نشان داده که توده آذرین دارای ترکیب دیوریتی تا مونوزوسی‌ینیتی بوده و اسکارن از نوع کلسیکی است. کانی‌های اسکارن شامل ولاستونیت، دیوپسید، ایدوکراز، گارنت، اپیدوت  $\pm$  کلریت  $\pm$  کلسیت هستند. مقایسه‌ی ترکیب شیمیایی اسکارن با سنگ‌های آهکی دگرگون نشده‌ی همجوار نشان داد که علاوه بر انرژی گرمایی، مقادیر زیادی شارجهای غنی از سیلیس توده‌ی آذرین به داخل سنگ‌های آهکی انتقال یافته بنابراین اسکارن از نوع تراوشی است. شدت دگرگونی در حد رخساره‌های آلبیت-اپیدوت هورنفلس تا هورنبلند هورنفلس است.

**واژه‌های کلیدی:** اسکارن؛ دگرگونی؛ دگرنهادی؛ کرمان.

### مقدمه

های نازک از اسکارن بدور بیرون زده‌های کوچک و پراکنده به-وجود آورده است (شکل ۲). به‌علت نبود بیرون زدگی‌های کافی از اسکارن و توده‌ی نفوذی، تاکنون بررسی‌های چندانی روی اسکارن این منطقه انجام نگرفته و هدف از این پژوهش بررسی کانی‌شناسی اسکارن و واکنش‌های دگرگونی بین سنگ‌های آهکی و توده‌ی نفوذی است.

### زمین‌شناسی منطقه

در اطراف کرمان فقط واحدهای رسوبی وابسته به کرتاسه دیده می‌شوند که اولین بار توسط [۱] بررسی شده و از پائین به بالا، در آن ۶ واحد چینه‌ای تشخیص داده شد که عبارتند از: کنگلومرای قاعده‌ای به ضخامت ۱۵ متر با ناپیوستگی

منطقه‌ی مورد بررسی در حاشیه شرقی شهر کرمان (گستره‌ی ۵۷°۷′۵۲" طول شرقی و ۳۰°۱۷′۲۲" عرض شمالی) واقع شده و وسعتی حدود ۰/۱۵ کیلومترمربع را در بر می‌گیرد (شکل ۱). آسان‌ترین راه دسترسی، خیابان سعیدی-باباکمالی و سپس مسیر پارک جنگلی قائم است. واحدهای سنگی بیرون زده در این منطقه عبارتند از سنگ‌های آهکی با فاسیس‌ها و ضخامت‌های متفاوت که به دوره‌ی کرتاسه تعلق داشته و به‌طور دگرشیب به‌وسیله‌ی کنگلومرای کرمان به سن پالئوسن، پوشیده شده‌اند. در این منطقه یک توده‌ی نفوذی به سن سنوزوئیک به داخل سنگ‌های آهکی کرتاسه نفوذ کرده و هاله

چینه‌شناسی، ضخامت واحدهای کرتاسه در کرمان حدود ۸۴۰ متر برآورد می‌شود.

در کوه صاحب‌الزمان (شکل ۲) یک توده‌ی آذرین متشکل از کوارتز دیوریت، دیوریت و مونزونیت به قاعده‌ی کرتاسه تزریق شده است. این توده کاملاً بیرون زده نشده بلکه به صورت نفوذی‌های انگشتی به قطر ۱۵ تا ۵۰ متر دیده می‌شود و هر بیرون زدگی در اطراف خود هاله‌ای از اسکارن به وجود آورده است. به نظر می‌رسد که توده‌ی آذرین در راستای گسل‌های بیشتر منطقه با روند شمالی- جنوبی جایگزین شده است. وجود آبرفت‌های کوهپایه و رسوب‌های جوان مانع از مشاهده‌ی بیرون زدگی کامل توده‌ی آذرین و هاله‌های اسکارن در بخش‌های فرسایش یافته است.

زاویه‌دار روی شیل‌های ژوراسیک و یا آهک‌های تریاس قرار دارد. روی کنگلومرای قاعده‌ای واحدی مرکب از ماسه سنگ‌های سرخ مایل به قهوه‌ای به ضخامت ۲۰ تا ۱۵۰ متر نشسته است. یک واحد دولومیت زردرنگ واحد ماسه‌سنگ را می‌پوشاند و به سمت بالا رفته رفته آهکی می‌شود. روی دولومیت، تناوبی از مارن و سنگ آهک به ضخامت ۲۰۰ تا ۳۰۰ متر قرار گرفته که سن آن، براساس فسیل‌های موجود، آلبین تعیین شده است. روی مارن و آهک را طبقات متناوب ماسه‌سنگ و سنگ‌آهک حاوی مرجان، آمونیت و اوربیتولین (احتمالاً آلبین) به ضخامت ۸۰ متر می‌پوشاند. آخرین طبقه در بالا آهک توده‌ای حاوی اوربیتولین است که به سنونین تعلق دارد و دارای ۳۰۰ متر ضخامت است. با توجه به بررسی‌های



شکل ۱ عکس ماهواره‌ای کوه صاحب‌الزمان، بیرون زدگی اسکارن و توده‌ی نفوذی در حاشیه‌ی شرقی کرمان قرار دارد (دید به طرف شمال شرق).



شکل ۲ سنگ‌های آهکی کوه صاحب‌الزمان که توده‌ی نفوذی به داخل آن‌ها تزریق شده است.

### روش بررسی

پس از شناسایی صحرایی و ثبت مختصات جغرافیائی محل بررسی برای تهیه نقشه زمین‌شناسی کرمان با مقیاس ۱/۱۰۰۰۰۰ اقدام شد. در این نوشته از داده‌های چینه‌شناسی، سنگ‌شناسی و زمین ساخت این نقشه استفاده و سعی شده تا از امکانات آزمایشگاهی و بودجه‌ی تحقیقاتی ناچیز فقط برای بررسی هاله‌ی دگرگونی استفاده شود. برای این منظور، در مسافرت دوم نمونه برداری صورت گرفت. در نمونه برداری سعی شد تا نمونه‌های سالم و متنوع از توده‌ی نفوذی و اسکارن برداشت شود. نمونه‌های اسکارن، باتوجه به فاصله از مرکز گرمایی برداشت شده‌اند بدین ترتیب که اولین نمونه درست از محل تماس و آخرین آن از خارجی ترین بخش هاله‌ی دگرگونی گرفته شدند. به منظور درک مبادلات شیمیائی بین توده‌ی آذرین و سنگ‌های آهکی اطراف، لازم بود که شیمی سنگ‌های آهکی دگرگون نشده‌ی آن محل با نمونه‌های اسکارن مقایسه شود به همین منظور کمی دورتر از بیرون زدگی‌های آذرین، از سنگ آهک مجاور نیز نمونه برداری به عمل آمد. پس از بررسی‌های سنگ‌شناسی و کانی‌شناسی نمونه‌ها به وسیله‌ی میکروسکوپ قطبشی، سه نمونه سنگ آذرین، پنج نمونه اسکارن و یک نمونه سنگ آهک دگرگون نشده آن محل، مورد تجزیه شیمیائی قرار گرفتند (جدول ۱). آنالیزها در آزمایشگاه ژئوشیمی گروه زمین‌شناسی دانشگاه خوارزمی و به روش XRF انجام گرفتند. نتایج بررسی‌های صحرایی و آزمایشگاهی، در نوشتار تقدیم خوانندگان گرامی می‌شود.

### سنگ نگاری توده‌ی نفوذی

هر چند موضوع این نوشتار معرفی اسکارن کوه صاحب الزمان کرمان است اما چون لازمه‌ی تشکیل اسکارن امکان مبادله مادی و انرژی بین یک توده‌ی آذرین داغ و سنگ‌های آهکی اطراف است؛ بنابراین مختصری درباره‌ی توده آذرین کوه صاحب الزمان نیز صحبت خواهیم کرد.

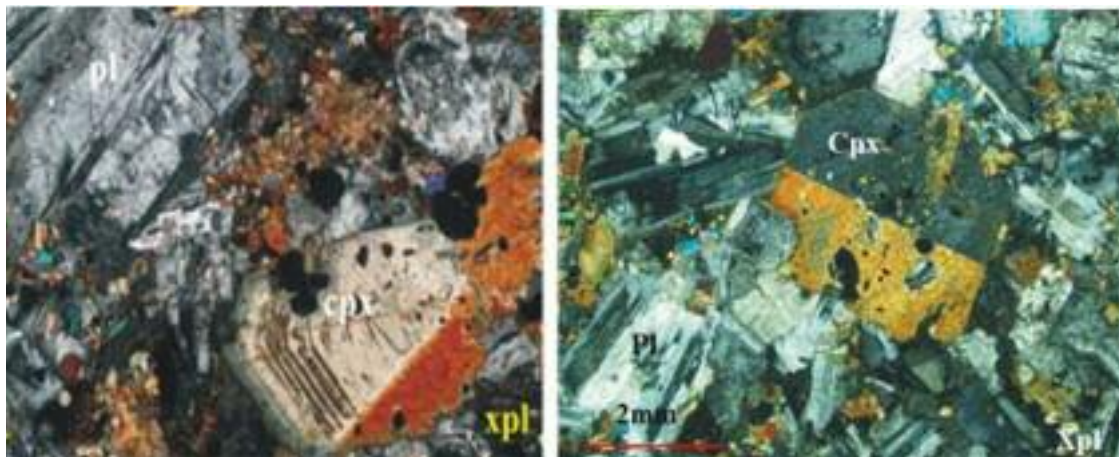
چنانکه در بالا اشاره شد یک توده‌ی آذرین شامل مونزوسی‌نیت، مونزونیت، مونزودیوریت، کوارتزیدیوریت و دیوریت به صورت شبه آتشفشانی به زیر آهک‌های کرتاسه تزریق شده است.

دیوریت و کوارتز دیوریت دارای ساخت و بافت پورفیروئید بوده و روی نمونه ماکروسکوپی آن‌ها بلورهای پیروکسن، آمفیبول و پلاژیوکلاز با چشم غیرمسلح دیده می‌شوند. در زیر میکروسکوپ، بلورهای درشت آمفیبول و میکروفنوکریستال‌های پلاژیوکلاز در خمیره‌ی هولوکریستالین متشکل از پلاژیوکلاز، آمفیبول، کلینوپیروکسن، مختصری کوارتز، اپیدوت، اسفن، کلریت و مگنتیت دیده می‌شوند (شکل ۳). اپیدوت و کلریت کانی‌های ثانویه هستند [۲].

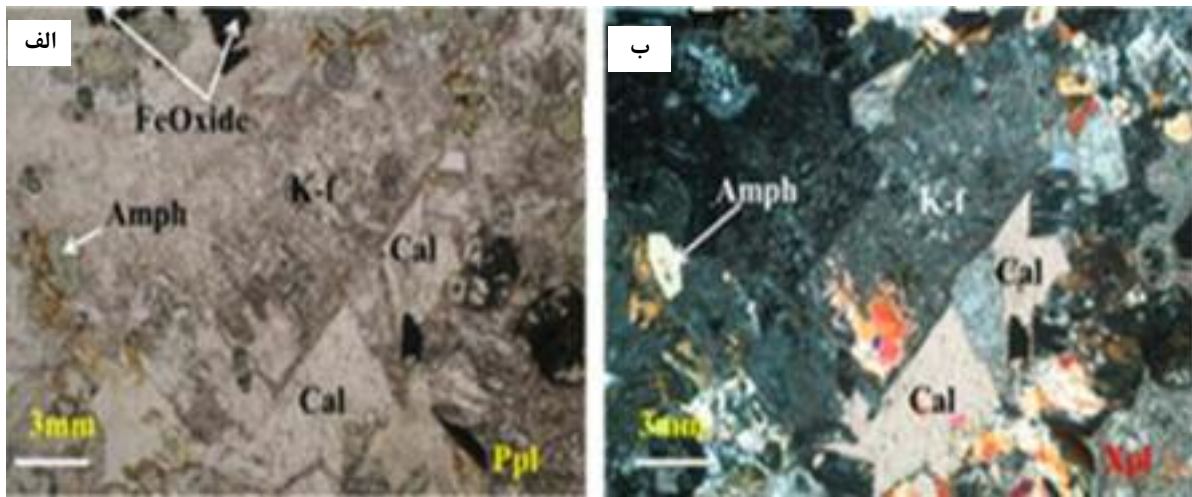
مونزودیوریت، مونزونیت و مونزوسینیت، در نمونه دستی، با دیوریت و کوارتز دیوریت تفاوتی ندارند. این سنگ‌ها نیز دارای ساخت و بافت دانه ای بوده کانی‌های بیشتر آن‌ها عبارتند از پلاژیوکلاز، کلینوپیروکسن، اورتوز پرتیتی و آمفیبول. کانی‌های ثانوی کلریت و سریسیت هستند [۲]. درصدی از اورتوز (ارتوکلاز) از مونزودیوریت نیز به سوی مونزونیت و مونزوسینیت افزایش یابد (شکل ۴).

جدول ۱ نتایج تجزیه‌ی شیمیائی تعدادی از نمونه‌های اسکارن (S4, S6, S15, S19, S23)، سنگ آذرین (S1, S16, S20) و یک نمونه آهک دگرگون نشده همان محل (S2).

	SiO <sub>2</sub>	Al <sub>2</sub> O <sub>3</sub>	CaO	Fe <sub>2</sub> O <sub>3</sub>	MgO	K <sub>2</sub> O	Na <sub>2</sub> O	TiO <sub>2</sub>	P <sub>2</sub> O <sub>5</sub>	SrO	SO <sub>3</sub>	LOI
S2	۱۰٫۷۵	۲٫۱۱	۵۳٫۸۵	۱٫۳۸	۱٫۳۹	۰٫۳۳	۰٫۱۳	۰	۰	۰٫۱۱	۰٫۲۰	۲۹٫۷۴
S4	۴۳٫۸۹	۷٫۱۷	۲۹٫۴۸	۳٫۶۹	۶٫۰۸	۲٫۵۳	۰	۰٫۴۸	۰٫۱۲	۰٫۱۰	۰٫۱۱	۶٫۳۴
S6	۳۹٫۸۵	۷٫۱۵	۲۵٫۸۸	۳٫۳۳	۶٫۰۸	۲٫۸۵	۰٫۲۰	۰٫۴۸	۰٫۱۰	۰٫۰۹	۰٫۱۶	۱۳٫۸۴
S15	۳۷٫۹۵	۷٫۷۱	۴۱٫۶۵	۶٫۱۴	۲٫۱۲	۰	۰	۰٫۶۴	۰٫۱۷	۰	۰٫۲۹	۳٫۳۳
S19	۳۳٫۱۴	۱۲٫۳۴	۴۲٫۶۱	۳٫۹۲	۵٫۲۵	۰	۰	۰	۰	۰٫۰۹	۳٫۱۴	۳٫۶۹
S23	۲۵٫۹۳	۱۲٫۵۰	۳۳٫۶۹	۸٫۸۷	۳٫۷۹	۱٫۴۴	۰	۰٫۷۹	۰٫۳۱	۰٫۰۹	۰٫۲۳	۸٫۸۷
S.1	۵۹٫۴۷	۱۵٫۱۷	۱۲٫۰۸	۳٫۶۹	۱٫۵۲	۲٫۵۲	۳٫۶۷	۰٫۵۴	۰٫۲۲	۰	۰	۰
S16	۵۴٫۸۱	۱۳٫۹۸	۱۵٫۳۳	۶٫۱۳	۲٫۰۶	۲٫۱۹	۴٫۲۱	۰٫۳۶	۰٫۲۹	۰	۰	۰
S20	۶۲٫۰	۱۲٫۳۸	۷٫۸۴	۷٫۷۷	۰٫۵۹	۲٫۳۶	۲٫۸۶	۰٫۸۹	۰٫۲۴	۰	۰	۰



شکل ۳ تصاویر میکروسکوپی دیوریت (سمت چپ) و کوارتز دیوریت (سمت راست). فنوکریست‌های کلینوپیروکسن و پلاژیوکلاز در خمیره‌ای متشکل از میکروفنوکریست‌های این دو کانی. بلورهای ریز کوارتز نیز در خمیره‌ی سنگ دیده می‌شوند.



شکل ۴ تصویر یک نمونه مونوزوسی‌نیت متشکل از ارتوزپریتی، پلاژیوکلاز، آمفیبول، اکسید آهن و کلسیت. کلسیت محصول دگرگانی است.

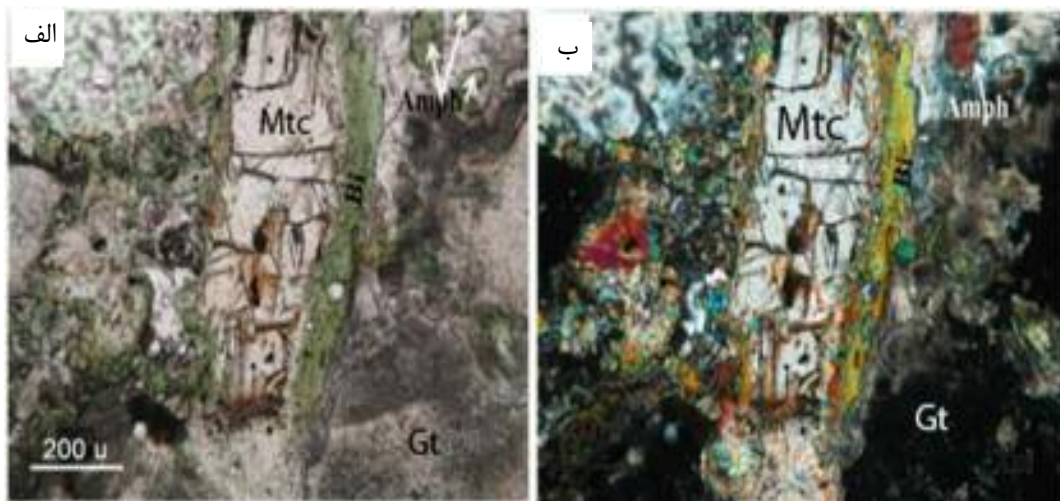
به روش XRF به عمل آمد. همچنین در مؤسسه تحقیقات فرآوری مواد معدنی ایران تعدادی از کانی‌های اسکارن با ریزپردازنده‌ی الکترونی تجزیه شیمیائی شدند.

براساس بررسی‌های میکروسکوپی، اسکارن‌های کوه صاحب‌الزمان کرمان به ۶ نوع زیر تقسیم می‌شوند که به ترتیب افزایش نسبی شدت دگرگونی عبارتند از: ۱- کلریت-اپیدوت-گارنت اسکارن، ۲- ایدوکرز-گارنت اسکارن، ۳- ایدوکرز اسکارن، ۴- گارنت-ولاستونیت اسکارن، ۵- دیوپسید-ایدوکرز-ولاستونیت اسکارن، ۶- دیوپسید-ولاستونیت-گارنت اسکارن. مشاهده‌ی مرزهای تیز بین رخساره‌های مختلف اسکارن (شکل ۶) از خاستگاه تراوشی آن حکایت می‌کند.

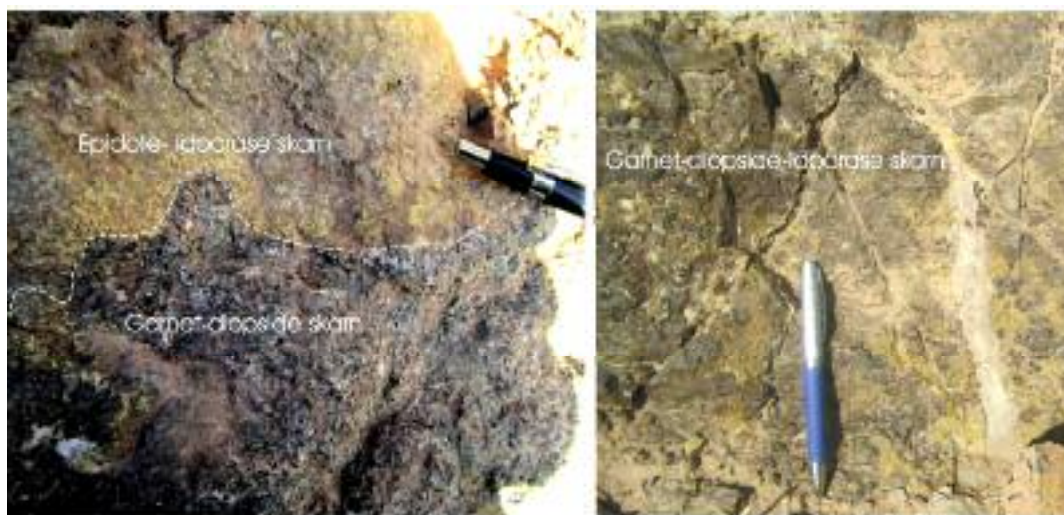
در نمونه‌های برداشت شده از برخوردگاه، بلورهای درشت مونتیسلیت که به‌وسیله‌ی بیوتیت و کلریت دگرگناده‌ی سبز رنگ احاطه شده‌اند، مشاهده شدند (شکل ۵). مونتیسلیت از روی خاموشی مستقیم، دوشکستی ضعیف و برجستگی قوی و نیز با استفاده از پلاتین تئودولیت و اندازه‌گیری زاویه‌ی  $2\psi$  که برابر با ۷۳ تا ۷۵ درجه بود، تشخیص داده شده است [۲].

#### سنگ‌نگاری اسکارن‌های منطقه

به منظور بررسی سنگ‌نگاری و کانی‌شناسی اسکارن‌های کوه صاحب‌الزمان تعداد ۱۵ نمونه از بیرن زدگی‌ها برداشت شدند. از تمام نمونه‌ها مقطع نازک تهیه شد و از ۵ نمونه اسکارن، یک نمونه سنگ آهکی دگرگون نشده مجاور اسکارن آنالیز شیمیائی



شکل ۵ تبلور درشت بلورهای مونتیسلیت (Mtc) در تماس ماگما با گارنت اسکارن. حاشیه مونتیسلیت به آمفیبول سبز و بیوتیت تبدیل شده است. الف: بدون آنالیزور (PPL)، ب: با آنالیزور (XPL).



شکل ۶ تصویر ماکروسکوپی سه نمونه اسکارن کوه صاحب الزمان کرمان.

در مقاطع میکروسکوپی بافت آن‌ها دانه‌ای یا پوئی- کیلوبلاستیک بوده به ترتیب فراوانی، شامل گارنت، کلسیت، ایدوکراز و کلریت هستند. اپیدوت نیز به مقدار کم و به صورت ریزبلور وجود دارد.

ایدوکراز اسکارن: در نمونه دستی، ایدوکراز اسکارن به رنگ پسته‌ای دیده می‌شود. در مقطع میکروسکوپی، فراوان‌ترین کانی‌ها ایدوکراز و کلسیت هستند. مقدار کمی گارنت و دیوپسید هم در این سنگ وجود دارد.

گارنت - ولاستونیت اسکارن: در نمونه دستی به رنگ خاکستری روشن دیده می‌شود. در این سنگ‌ها دانه‌های

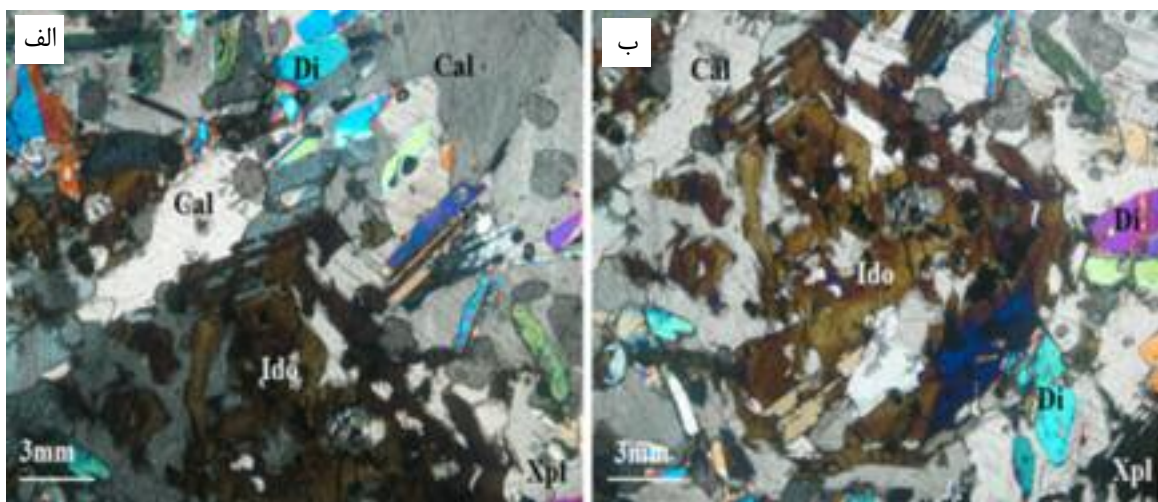
اپیدوت - گارنت اسکارن: نمونه‌ی دستی این سنگ، به دلیل وجود اپیدوت، به رنگ سبزروشن دیده می‌شود. کانی‌های سازنده‌ی آن با چشم غیرمسلح قابل تشخیص نیستند. بررسی‌های میکروسکوپی نشان می‌دهد که بافت این سنگ پوئی کیلوبلاستیک بوده از گارنت، کلسیت، اپیدوت و به مقدار کم کلریت، کوارتز، ولاستونیت، اکتینولیت- ترمولیت ساخته شده است.

ایدوکراز - گارنت اسکارن: این سنگ در نمونه‌ی دستی به رنگ خاکستری متمایل به سبز است. بلورهای پسته‌ای رنگ ایدوکراز و دانه‌های قهوه‌ای رنگ گارنت با چشم غیرمسلح دیده می‌شوند.

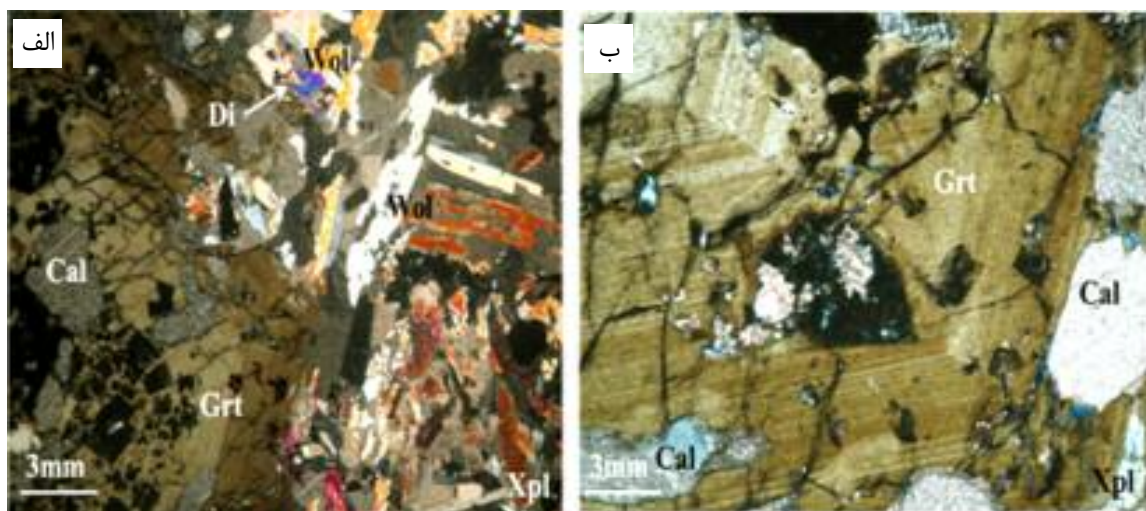
ولاستونیت، ایدوکراز و دیوپسید (شکل ۷). مقدار کمی گارنت و اپیدوت نیز در این سنگ دیده می‌شوند. دیوپسید-ولاستونیت - گارنت اسکارن: این نمونه از محل برخورد اسکارن با سنگ آذرین برداشت شده و به رنگ خاکستری با لکه‌های قهوه‌ای تیره که بلورهای گارنت هستند، دیده می‌شود. در زیر میکروسکوپ، کانی‌های اصلی این سنگ عبارتند از گارنت، کلسیت، ولاستونیت و دیوپسید (شکل ۸). مقدار کمی بلورهای اپیدوت نیز در این سنگ مشاهده می‌شود.

قهوه‌ای گارنت با چشم غیرمسلح دیده می‌شود. در مقطع میکروسکوپی کانی‌های تشکیل دهنده، به ترتیب فراوانی، عبارتند از: ولاستونیت، گارنت و کلسیت که همراهند با مختصری اپیدوت.

ایدوکراز - دیوپسید - ولاستونیت اسکارن: در نمونه‌ی دستی به رنگ خاکستری است که روی آن بلورهای پسته‌ای رنگ ایدوکراز مشاهده می‌شوند. در زیر میکروسکوپ، کانی‌های سازنده‌ی این سنگ، به ترتیب فراوانی، عبارتند از کلسیت،



شکل ۷ الف و ب تصویر میکروسکوپی زوئیزیت-ایدوکراز-دیوپسید اسکارن. کلسیت به عنوان عضو واکنش کننده‌ی اضافی و باقیمانده از واکنش محسوب می‌شود. در XPL ایدوکراز به رنگ بنفش مایل به آبی (دوشکستی غیرعادی)، دیوپسید با رنگ اینترفرانس آبی یا بنفش مایل به قرمز دیده می‌شود.



شکل ۸ الف تصویر میکروسکوپی گارنت-دیوپسید-ولاستونیت اسکارن و ب: کلسیت-گارنت اسکارن. بلورهای درشت گروسولر دارای ساخت منطقه‌ای و دوشکستی ضعیف هستند. کلسیت عضو واکنش کننده‌ی و باقیمانده از واکنش است.

اپیدوت: این کانی زوئیزیت است که به صورت بلورهای ریز حدود ۱۰ تا ۳۵ درصد سنگ را می‌سازد. این کانی در نورعادی دارای برجستگی بالا بوده، بی‌رنگ یا به رنگ سبز مایل به زرد مشاهده می‌گردد. بیرفرنزانس اپیدوت در بخش‌های مختلف بلور متفاوت است و از خاکستری مایل به آبی تا زرد تغییر می‌کند. دو نسل اپیدوت در این سنگ‌ها دیده می‌شود: اپیدوت نسل اول در داخل بلورهای درشت گارنت با بافت پوئی کیلوبلاستیک دیده می‌شود و گارنت در خارج این کانی ساخته شده است. اپیدوت نسل دوم حاصل دگرگونی برگشتی بوده و در حاشیه یا در بین کانی‌های قبلی به وجود آمده است. گارنت: این کانی، به صورت ریزبلور (در تماس با توده آذرین) یا درشت بلور (دور از توده آذرین)، اتومورف یا گزنومورف، دیده می‌شود. در بعضی موارد ۴۰ درصد از حجم سنگ را می‌سازد. بلورهای ریز گارنت ایزوتروپ هستند اما حاشیه بلورهای درشت آن ایزوتروپ بوده مختصری بیرفرنزانس و زون‌بندی نشان می‌دهند. گارنت‌های آنالیز شده اسکارن کوه صاحب‌الزمان کرمان ترکیب گروسولر - آندرادیت دارند (جدول ۲).

از مقایسه‌ی نمونه‌های اسکارن با هم، نتیجه می‌گیریم که هرگاه در یک نمونه، ایدوکراز ظاهر می‌شود، گارنت و دیوپسید ناپدید می‌شوند و یا مقدار آنها ناچیز است. این امر نشان می‌دهد که در واکنش تبلور ایدوکراز، گارنت و دیوپسید اعضای شرکت کننده در واکنش هستند.

بر اساس داده‌های سنگ‌نگاری دو رخساره آلبیت-اپیدوت-هورنفلس و هورنبلندهورنفلس در اسکارن‌های کرمان مشاهده شده‌اند. مجموعه کانیایی ولاستونیت-دیوپسید-گارنت را می‌توان به رخساره هورنبلندهورنفلس نسبت داد و مجموعه کانیایی کلریت - اپیدوت-ایدوکراز را در ردیف رخساره آلبیت-اپیدوت‌هورنفلس به حساب آورد.

### کانی‌شناسی اسکارن‌های کوه صاحب‌الزمان

کانی‌های اسکارن کوه صاحب‌الزمان، به ترتیب تقدم در تبلور دگرگونی، عبارتند از: اپیدوت، گارنت، دیوپسید، ولاستونیت، ایدوکراز، کلریت و کوارتز. واضح است که همه این کانی‌ها در یک سنگ حضور ندارند.

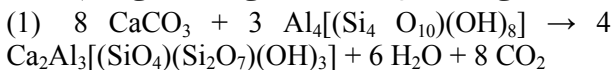
جدول ۲ نتایج تجزیه‌ی شیمیایی چند نمونه اسکارن کوه صاحب‌الزمان کرمان.

	SiO <sub>2</sub>	Al <sub>2</sub> O <sub>3</sub>	CaO	MgO	FeO	TiO <sub>2</sub>
S11	۳۷٫۸۶	۱۰٫۶۹	۳۳٫۸۵	۰٫۰۷	۱۵٫۹۵	۰٫۱۹
	۳۸٫۳۶	۱۰٫۹۰	۳۳٫۸۸	۰٫۰۷	۱۶٫۹۳	۰٫۲۲
	۳۷٫۸	۸٫۸۹	۳۳٫۴۸	۰٫۰۳	۱۸٫۷۷	۰٫۲۹
S17	۳۸٫۰۹	۱۷٫۰۵	۳۳٫۶۹	۰٫۴۷	۷٫۶۶	۱٫۰۴
	۳۷٫۹	۱۶٫۸۵	۳۳٫۶۱	۰٫۴	۸٫۱۱	۰٫۴۴
	۳۷٫۶۲	۱۶٫۵۱	۳۲٫۹۴	۰٫۴۵	۱۰٫۲۳	۰٫۹۲
کاتیون‌ها بر مبنای ۱۲ اتم اکسیژن و درصد اعضاء نهایی						
Cations	Si	AlVI	Ca	Mg	Fe <sup>+2</sup>	Ti
S11	۳٫۰۲	۱٫۰۰۷	۲٫۸۹	۰٫۰۰۸	۰٫۱۳۳	۰٫۰۱۱
	۳٫۰۱	۱٫۰۰۸	۲٫۸۵	۰٫۰۰۸	۰٫۱۷۰	۰٫۰۱۳
	۳٫۰۲	۰٫۸۳۷	۲٫۸۷	۰٫۰۰۴	۰٫۱۷۱	۰٫۰۱۷
S17	۲٫۹۹	۱٫۵۷۵	۲٫۸۳	۰٫۰۵۵	۰٫۱۷۰	۰٫۰۶۱
	۲٫۹۸	۱٫۵۸۱	۲٫۸۳	۰٫۰۴۷	۰٫۱۳۲	۰٫۰۲۶
	۲٫۹۴	۱٫۵۲۴	۲٫۷۶	۰٫۰۵۲	۰٫۱۸۸	۰٫۰۵۴
	S11-1	S11-2	S11-3	S17-1	S17-2	S17-3
Gross %	۴۷٫۵۳	۴۶٫۱۱	۳۸٫۳۴	۷۵٫۵۷	۷۳٫۸۷	۶۷٫۹۱
And %	۴۷٫۸۳	۴۷٫۹۹	۵۵٫۹۳	۱۷٫۱۴	۲۰٫۱۷	۲۴٫۰۶
Alm %	۴٫۳۷	۵٫۶۰	۵٫۶۱	۵٫۴۹	۴٫۴۰	۶٫۲۷
Pyr %	۰٫۲۷	۰٫۲۷	۰٫۱۲	۱٫۸	۱٫۵۶	۱٫۷۵
	آندرادیت			گروسولر		

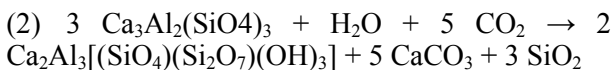
مقایسه ترکیب شیمیایی نمونه‌های اسکارن با ترکیب شیمیایی سنگ‌های آذرین و یک نمونه سنگ آهک دگرگون نشده از همان محل، نشان داده (شکل ۹ و ۱۰) که انتقال سیالات غنی از سیلیس و آهن از توده آذرین به سمت سنگ درونگیر، عامل اصلی دگرنهادی بوده است. از نمودار شکل ۱۰ چنین برداشت می‌شود که آلومین (به صورت کانی‌های رسی) و منیزیم (آهک دولومیتی) قبلاً در سنگ آهک وجود داشته است. آهن که در دماهای بالا متحرک و در دماهای پایین کم تحرک است، پس از انتشار توسط سیالات ماگمایی، در نقاط دورتر از توده نفوذی به صورت آندرادیت تثبیت شده است (شکل ۱۰). حضور گروسولر، دیوپسید و ولاستونیت در اسکارن نشان می‌دهد که سنگ اولیه، سنگ آهک مارنی مختصری دولومیتی بوده و اسکارن از نوع کلسیتی است.

در این اسکارن‌ها دو نسل گارنت، اپیدوت و کلریت دیده شده؛ گارنت، اپیدوت و کلریت نسل اول در ابتدای دگرگونی به وجود آمده‌اند؛ گارنت نسل دوم به خرج اپیدوت نسل اول و در طول دگرگونی پیشرونده متبلور شده است. اپیدوت و کلریت نسل دوم و همچنین ایدوکراز طی دگرگونی برگشتی، به علت افزایش فشار بخار آب در سنگ درونگیر، متبلور شده‌اند. همچنین، حضور اپیدوت و آندرادیت، نشانه گریزندگی بالای اکسیژن در زمان تشکیل این دو کانی است.

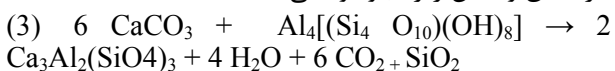
واکنش‌های احتمالی تشکیل اپیدوت: در این اسکارن‌ها، اپیدوت از نوع زوئیزیت است که هم در دگرگونی پیشرونده و هم برگشتی تشکیل شده است. پیدایش زوئیزیت نسل اول را که بدور آن و به خرج آن، گروسولر متبلور شده به دگرگونی ایزوشیمیایی آهک رس دار (آهک مارنی) نسبت می‌دهیم:



اپیدوت نسل دوم در زمانی که سیالات هیدروترمال غنی از آب به داخل اسکارن وارد شده از ناپایداری گروسولر به وجود آمده است:



واکنش‌های احتمالی تشکیل گارنت: گارنت تقریباً در تمام نمونه‌های اسکارن منطقه حضور دارد. این کانی متعلق به سری اوگراندیت بوده، دارای ترکیب گروسولر و آندرادیت است. گروسولر نسل اول از دگرگونی ایزوشیمیایی سنگ آهک رس-دار، طبق واکنش زیر، بوجود می‌آید:



دیوپسید: این کانی به صورت ساب‌اتومورف یا اتومورف و دارای ماکل تکراری به موازات سطح (100) دیده می‌شود. بیرفرنژانس آن در گستره‌ی سفید تا زرد سری اول یا آبی سری دوم است. دیوپسید ۵ تا ۲۰ درصد سنگ را می‌سازد.

ولاستونیت: این کانی به مقدار کم در اسکارن‌ها وجود دارد. تیغه‌های ولاستونیت دارای بیرفرنژانس ضعیف (سفید تا نارنجی سری اول) و دو محوری منفی است.

ایدوکراز: این کانی در نورعادی بی‌رنگ و یا قهوه‌ای کمرنگ است. مانند گارنت برجستگی قوی دارد و در نور آنالیزه بیرفرنژانس غیرعادی (آبی تیره تا قهوه‌ای) از خود نشان می‌دهد. برخی بلورهای این کانی زوناسیون دارند. مقدار ایدوکراز در اسکارن‌ها از صفر تا ۶۵ درصد تغییر می‌کند.

ترمولیت - اکتینولیت: این کانی‌ها به شکل بلورهای سوزنی بسیار باریک به مقدار کم در این سنگ‌ها دیده می‌شود.

کلریت: در نورعادی سبز کمرنگ یا زرد و در نور آنالیزه بیرفرنژانس ضعیف از خود نشان می‌دهد. رنگ‌های تداخلی کلریت زرد تا نارنجی سری اول است.

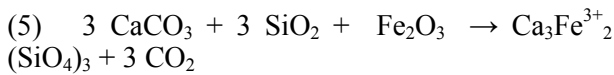
کلسیت: کلسیت فراوان‌ترین کانی فرعی این سنگ‌ها است. بلورهای این کانی به صورت بی‌شکل در اطراف بلورهای ولاستونیت و یا به صورت ادخال در بلورهای گارنت، دیده می‌شود. برخی از بلورهای کلسیت، حاصل تجزیه کانی‌های قبلی هستند.

کوارتز: این کانی به مقدار کم در بعضی از اسکارن‌ها دیده می‌شود. وجود کوارتز همراه با کلسیت در این سنگ‌ها نشان‌دهنده این است که واکنش‌ها به‌طور کامل صورت نگرفته‌اند. علت توقف واکنش‌ها کافی نبودن دما و یا افزایش  $\text{XCO}_2$  به سبب پیشرفت واکنش‌ها بوده است.

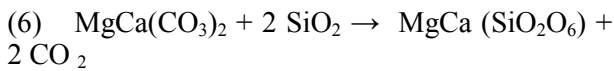
#### واکنش‌های دگرگونی تشکیل اسکارن در منطقه

در این مبحث واکنش‌های احتمالی تشکیل اپیدوت، گارنت، کلریت، ولاستونیت، دیوپسید و ایدوکراز که کانی‌های اصلی اسکارن این منطقه هستند مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این رابطه از شواهد سنگ نگاری و پاراژنرها برای انتخاب محتمل‌ترین واکنش‌ها استفاده شده است. بررسی‌های صحرایی و سنگ نگاری نشان داده که اختلاف ترکیب کانی‌شناسی این نمونه‌ها به علت دوری و نزدیکی از توده آذرین نیست بلکه تغییرات موضعی ترکیب شیمیایی پروتولیت، شدت و ضعف برشی شدگی در اطراف توده نفوذی و نرخ جریان سیالات و نیز میزان  $\text{XCO}_2$  سبب تفاوت‌های کانی‌شناسی شده است.

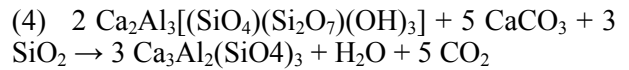




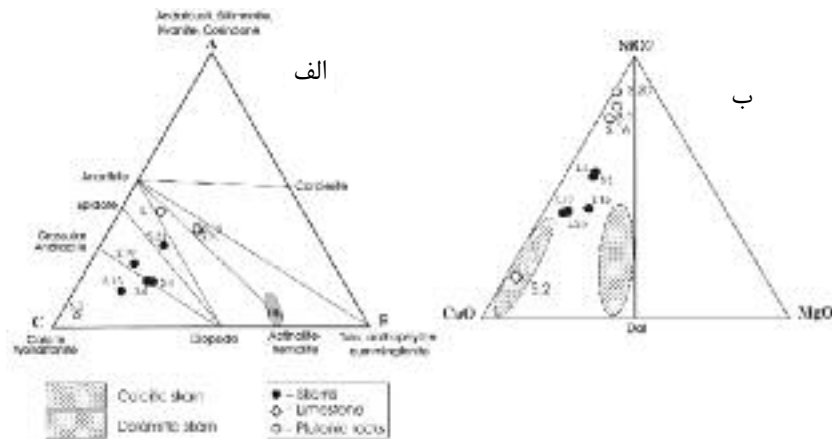
واکنش‌های احتمالی تشکیل دیوپسید: با توجه به اینکه سنگ اولیه آهک دولومیتی بوده، تبلور دیوپسید را می‌توان از طریق واکنش زیر توجیه کرد:



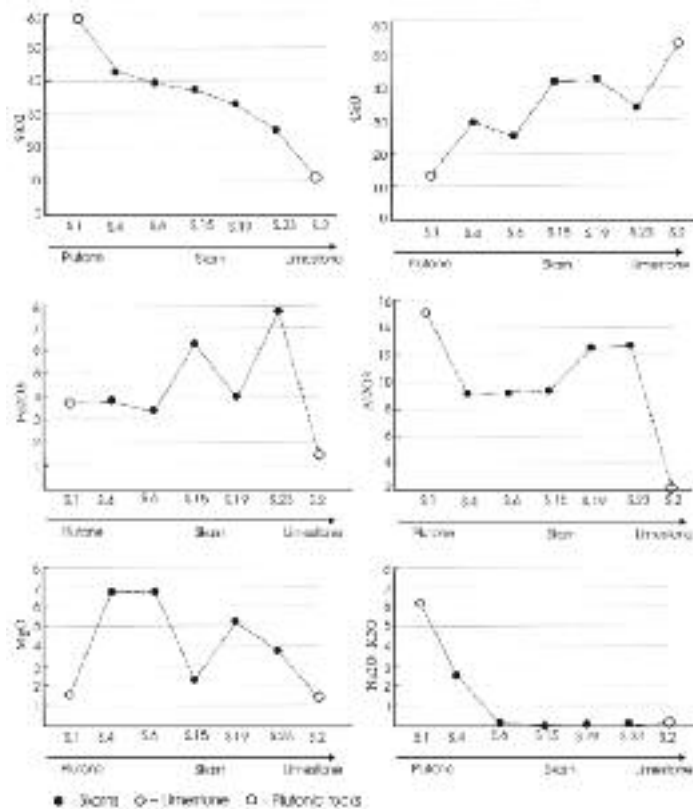
همانطور که در مقاطع میکروسکوپی دیده شده گروسولر نسل دوم به خرج اپیدوت و احتمالاً طبق واکنش زیر متبلور شده است:



آندرادیت به خرج آهن و سیلیس ماگما و کلسیم و آلومینیوم سنگ آهک، در گریزندگی بالای اکسیژن، طبق واکنش زیر به وجود آمده است [۴]:

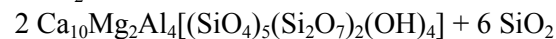
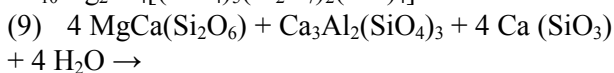
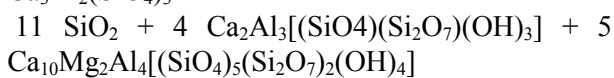
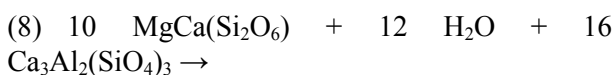


شکل ۹ (الف): نمودار ACF [۴،۳] نمایانگر پارائزهای دگرگونی متوسط و قوی. نمودار (ب) نشان می‌دهد که نمونه‌های اسکارن، در مقایسه با سنگ آهک دگرگون نشده (S.2)، از توده آذرین سیلیس گرفته‌اند. به علت اینکه دمای دگرگونی از ۶۰۰ درجه سانتیگراد بالاتر نرفته، به جای آنورتیت، گروسولار و کوارتز در نمونه‌های S.19 و S.23 حضور پیدا کرده‌اند.



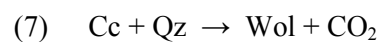
شکل ۱۰ تغییرات عناصر اصلی در اسکارن کرمان و مقایسه آن با سنگ آهکی دگرگون نشده و سنگ آذرین مجاور.

ایدوگراز در فشار ۱ تا ۲ کیلو بار و دماهای ۴۵۰ تا ۳۵۰ درجه سانتی‌گراد تشکیل می‌گردد (شکل ۱۱-ب). تبلور این کانی با افزایش فشار بخار آب نسبت مستقیم و با  $X_{CO_2}$  نسبت معکوس دارد. در صورتی که  $X_{CO_2}$  به بیش از ۰/۵ برسد ایدوگراز به ولاستونیت، گروسولار و دیوپسید تبدیل می‌گردد. در مبحث سنگ نگاری اسکارن گفته شد هرگاه در یک نمونه ایدوگراز ظاهر می‌شود، گارنت و دیوپسید ناپدید می‌گردند و یا مقدار آن‌ها ناچیز است. این امر نشان می‌دهد که در واکنش تبلور ایدوگراز، گارنت و دیوپسید اعضا شرکت کننده در واکنش هستند. به علاوه، کلسیت نیز غالباً با گارنت و ایدوگراز همراه است. با توجه به این مشاهدات تشکیل ایدوگراز را می‌توان به واکنش‌های [۹] که در زیر آمده‌اند نسبت داد:



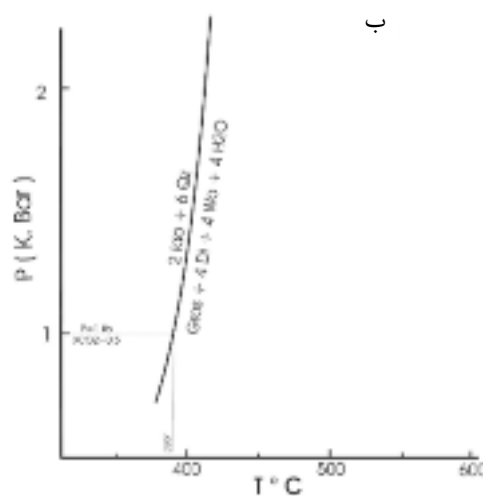
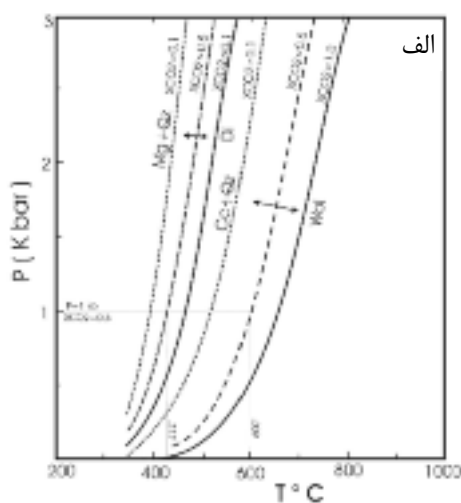
ایدوگراز در اسکارن‌های کوه صاحب‌الزمان، در آخرین مرحله تکوین اسکارن، از طریق واکنش‌های فوق و در طی دگرگونی برگشتی، زمانی که به علت انجماد توده آذرین ورود آب به سنگ درونگیر افزایش پیدا کرده، تشکیل شده است.

در شکل ۱۱ الف، منحنی این واکنش به صورت نمودار - Pf  $X_{CO_2}$  نشان داده شده [۵]. در این نمودار، سه منحنی برای مقادیر 1, 0.5, 0.1  $X_{CO_2}$  رسم شده است. شیب این منحنی‌ها مثبت بوده، کاهش  $X_{CO_2}$  و فشار کلی سیال موجب کاهش دمای واکنش‌ها و تبلور دیوپسید و ولاستونیت می‌گردد. به طوری که از این نمودار برمی‌آید در فشار سیال برابر با کمتر از یک کیلو بار (نیمه آتشفشانی) و  $X_{CO_2}$  برابر با ۰/۵ (در آغاز دگرگونی مجاورتی)، حداقل دمای تبلور دیوپسید و ولاستونیت به ترتیب ۴۲۰ و ۴۷۰ درجه سانتیگراد است. واکنش‌های تبلور ولاستونیت: معمول‌ترین واکنش‌هایی که برای تبلور ولاستونیت ارائه شده [۶]، واکنش زیر است:



همان‌طور که از نمودار شکل ۱۰ - a برداشت می‌شود، در صورتی که  $X_{CO_2} = 1$  باشد دمای بسیار بالایی لازم است تا کلسیت با کوارتز واکنش دهد. با ورود آب از توده نفوذی به سنگ آهک،  $X_{CO_2}$  کاهش پیدا می‌کند و دمای تبلور ولاستونیت پائین می‌آید. پس از تبلور مقداری آهک سیلیکات،  $X_{CO_2}$  دوباره در محیط بالا می‌رود و واکنش‌ها متوقف می‌گردند. بنابراین امکان دارد مجموعه کلسیت + کوارتز تا حرارت‌های بسیار بالا پایدار باقی بماند.

واکنش‌های تشکیل ایدوگراز: ایدوگراز غالباً در دگرگونی مجاورتی و در سنگ‌های غنی از کلسیم یافت می‌شود. چگونگی تشکیل این کانی بسیار پیچیده است [۷]. به عقیده [۸]



شکل ۱۱ الف: نمودار فشار-دما در مقادیر مختلف  $X_{CO_2}$  برای تبلور ولاستونیت و دیوپسید [۵]. ب: نمودار فشار-دما با  $X_{CO_2}$  پائین تر از ۰/۵ برای تبلور ایدوگراز [۸].

## بحث و بررسی

تغییرات شیمیایی نمونه‌های اسکارن بر روی نمودارها از پدیده انتشار حکایت می‌کند بدین ترتیب که اختلاف پتانسیل شیمیایی توده نفوذی و سنگ آهک سبب شده تا  $\text{SiO}_2$  و  $\text{Fe}_2\text{O}_3$  از توده آذرین به طرف سنگ آهک و  $\text{CaO}$  به سمت توده نفوذی انتشار یابد. در سنگ‌های آذرین کوه صاحب‌الزمان درصد آنورتیت در پلازیوکلازهای مجاور اسکارن، نسبت به بخش درونی توده، بالاتر نرفته و نیز آندواسکارن به وجود نیامده [۲]. بنابراین، پدیده انتشار تقریباً یک‌طرفه و از توده آذرین به سمت سنگ آهک بوده است. سیلیس بیشترین جابجایی را داشته و در واقع عامل اصلی دگرنهادی به حساب می‌آید. بعد از سیلیس، آهن به میزان کمتر، از توده آذرین به طرف سنگ‌آهک انتشار یافته و باعث تبلور آندرادیت شده است. این عناصر توسط بخار آب بسیار داغ به سنگ درونگیر منتشر شده‌اند بنابراین فرایند تشکیل اسکارن پدیده تراوش بوده است. زمین‌دما- فشارسنجی گارنت- کلینوپیروکسن اسکارن‌ها دمای  $580$  تا  $600$  درجه سانتیگراد و فشار حدود  $2$  کیلوبار به دست داده است [۲]. با توجه به اینکه حداکثر ضخامت سربار توده آذرین در زمان جایگزینی (ضخامت رسوب‌های کرتاسه قبل از فرسایش)، حدود  $800$  متر بوده، فشارهای  $2$  تا  $2.5$  کیلوبار به دست آمده از طریق زمین فشارسنجی، معرف فشار سیال است نه وزن سربار. براساس تجارب آزمایشگاهی [۵] در فشار سیال کمتر از یک کیلوبار (نیمه آتشفشانی) و  $\text{XCO}_2$  برابر با  $0.5$  (در آغاز تبلور) دمای تبلور دیوپسید و ولاستونیت به ترتیب  $430$  و  $600$  درجه سانتیگراد است. با توجه به اینکه دمای ماگماهای دیوریتی معمولاً حدود  $850$  تا  $900$  درجه است و حدود  $0.65$  تا  $0.7$  این دما به سنگ مماس با توده منتقل می‌گردد بنابراین دمای هاله اسکارن می‌توانسته به  $600$  درجه سانتیگراد برسد و این دما برای تبلور دیوپسید به طور کامل و ولاستونیت به صورت جزئی، کافی بوده است. به علت اینکه دمای دگرگونی از  $600$  درجه سانتیگراد بالاتر نرفته، آنورتیت (به جای گروسولار + کوارتز) در نمونه‌های اسکارن متبلور نشده و مقدار ولاستونیت در نمونه‌ها ناچیز است.

## برداشت

در دامنه غربی کوه صاحب‌الزمان، در شرق شهر کرمان، چند بیرون زدگی کوچک به قطر  $15$  تا  $50$  متری از یک توده گرانیتوئید در سنگ‌های آهکی کرتاسه نفوذ کرده و هاله‌های کم‌ضخامت اسکارن ساخته‌اند. فاسیس‌های اسکارن کوه صاحب‌الزمان کرمان، به ترتیب افزایش نسبی شدت دگرگونی، عبارتند از: کلریت-اپیدوت- گارنت اسکارن، ایدوکرز- گارنت اسکارن، ایدوکرز اسکارن، گارنت-ولاستونیت اسکارن، دیوپسید- ایدوکرز- ولاستونیت اسکارن، دیوپسید- ولاستونیت- گارنت اسکارن. کانی‌های اصلی اسکارن عبارتند از اپیدوت، گارنت (گروسولر- آندرادیت)، دیوپسید، ولاستونیت، ایدوکرز، کلسیت و کلریت. سنگ اولیه آهک مارنی کمی دولومیتی بوده و گریزندگی اکسیژن در زمان تشکیل اسکارن بالا بوده است. در این دگرنهادی  $\text{SiO}_2$  و  $\text{Fe}_2\text{O}_3$  از توده آذرین به طرف سنگ آهک و  $\text{CaO}$  به طرف سطح تماس انتشار یافته اما کلسیم به درون توده آذرین راه نیافته و آندواسکارن به وجود نیامده است. سیلیس بیشترین جابجایی را داشته و در واقع عامل اصلی دگرنهادی به حساب می‌آید. بعد از سیلیس، آهن به میزان کمتر، از توده آذرین به سمت سنگ‌آهک انتشار یافته و باعث تبلور آندرادیت شده است. این عناصر توسط بخار آب بسیار داغ به سنگ درونگیر منتشر شده‌اند بنابراین فرایند تشکیل اسکارن پدیده تراوش بوده است. براساس داده‌های سنگ‌نگاری، دو رخساره آلبیت-اپیدوت- هورنفلس و هورنبلندهورنفلس در اسکارن‌های کرمان مشاهده شده‌اند: مجموعه کانیایی ولاستونیت- دیوپسید- گارنت را می‌توان به رخساره هورنبلندهورنفلس نسبت داد و مجموعه کانیایی کلریت - اپیدوت- ایدوکرز را در ردیف رخساره‌ی آلبیت- اپیدوت‌هورنفلس به حساب آورد.

## قدردانی

این مقاله چکیده‌ی پایان نامه کارشناسی ارشد پترولوژی است که در دانشگاه خوارزمی به‌ثمر رسیده بنابراین وظیفه‌ی خود می‌دانیم از معاونت محترم پژوهشی، معاونت محترم اداری و مالی، ریاست محترم دانشکده زمین‌شناسی و مدیریت محترم

[5] Shimazaki H., "The Sasano hastingsit-bearing copper skarn deposit formed in aluminous sediment at the Yoshioko Mine", Japan: Econ. Geol., (1982), 75p.

[6] Tracy R.J., Frost B.R., "Phase equilibria and thermobarometry of calcareous, ultramafic and mafic rocks", and iron formation. In Contact Metamorphism (Kerrick, D.M., ed.) Mineralogical Society of American, Reviews in Mineralogy, (1991), 26p.

[7] Hochella M.F., Liou J.G., Keshinen M.J., Kim H.S., "Synthesis and stability relations of magnesium idocrase", Econ. Geol., (1982), 77p.

[8] Spear F. S., "Metamorphic phase equilibria and pressure-temperature-time paths", Mineralogical Society of America, (1993).

[9] Deer W. A., Howie R. A., Zussman J., "An introduction to the rock forming minerals", seventeenth impression, Longman, (1991), p. 528.

گروه زمین‌شناسی آن دانشگاه تشکر کنیم. همچنین از آقای مهندس علی دوستی بخاطر انجام آنالیزهای شیمیائی سپاسگزاریم.

#### مراجع

[1] Huckriede R.M., Kursten M., venzalff H., "Zur geologic des Gebietes zwischen kerman and sagand", (Iran) :Bei.Geol. Jahrb.,V.15, (1962), 197p.

[۲] دهقانی س.، "پتروگرافی، پترولوژی و ژئوشیمی اسکارن کوه صاحب‌الزمان کرمان"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه خوارزمی، تهران (۱۳۹۱).

[3] Miyashiro A., "Volcanic rocks series in Island arcs and active continental margine", Am. Jour. Sci., (1974), 274p.

[4] Winkler H.G.F., "Petrogenesis of Metamorphic Rocks", 4 th Ed. Springer-Verlag, New York (1976).